

جستاری در نقش شیعیان ایرانی کوفه در طول قرن اول هجری

دکتر سید علاءالدین شاهرخی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

خرم آباد- ایران

چکیده

تغییر و تحول فکری و اعتقادی و پذیرش دین مطلوب از آرمانهای برخی ملل از جمله ایرانیان بوده است. چگونگی گروش ایرانیان به تشیع با تحلیل های مختلف و گاه متضاد طرح شده است لذا به منظور دست یابی به شناخت لازم در این خصوص ضرورت دارد پژوهش هایی نقادانه و منصفانه انجام پذیرد. ایرانیان مستقر در کوفه در قرن نخست هجری در این رابطه نقش مهمی ایفا نمودند. این مقاله با بررسی روند گرایش ایرانیان کوفه به تشیع و نقشی که آنان در روند تحولات تاریخی جهان اسلام ایفا نمودند به بررسی برخی فرضیه های مطرح از جمله اشتراک اعتقاد ایرانیان باستان با مذهب شیعه می پردازد و نهایتاً به اثبات اصل گرایش انسانها به اصول انسانی و عدالت و پاسخ گویی فطرت در هنجار به گرایش های بوجود آمده در طول تاریخ می پردازد که با توجه به بسترهای مناسب در کوفه سبب برگزیدن تشیع توسط ایرانیان گردید. همچنین مجموعه ای اقدامات و فعالیت های آنان در طول قرن نخست هجری مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه ها: کوفه ، ایرانیان ، تشیع ، اعراب ، اسلام ، تغییر آئین.

مقدمه

به نظر می‌رسد که تشیع بطور عام و ایرانیان شیعه بطور خاص در قرن اول هجری پیوندی ناگسستنی با شهر کوفه دارند به گونه‌ای که بررسی هر کدام موجب طرح دیگری خواهد شد. حضور برخی از مشاهیر و پیشگامان هوا خواه اهل بیت رسول الله (ص) در کوفه موجب شد تا از نیمه ی نخست قرن اول هجری، این شهر به عنوان مرکزیت طرفداران این خاندان شهرت یابد. طرفداری مردم کوفه از امام علی (ع)، دعوت از امام حسین (ع)، قیام توابین، نهضت مختار، تا حدودی قیام دیر جمجم و بسیاری از حرکت های انفرادی دیگر بخش هایی از این رابطه ی دو جانبه است.

گذشته از عوامل اجتماعی و سیاسی گرایش ایرانیان کوفه به تشیع، ضرورت دارد یک علت روش شناختی نیز در این خصوص مورد توجه قرار گیرد. اینکه زمینه های فکری مناسب، نوع نگرش به خصایل فرمانروایان و حدود اختیاراتشان، حقوق رعایا همچنین انتظاراتی که با گرایش به اسلام در آنها ایجاد شده بود بویژه با آشنا شدن با قرآن و شنیدن سخنان پیامبر (ص) از زبان برخی صحابه و تابعین بر این روند تا چه میزان اثر گذار بوده است.

استقرار کوفه در مناطق ایرانی نشین آن زمان و حضور جمع قابل توجهی از ایرانیان در این شهر و اطراف آن و هم پیمانی بسیاری از آنان با قبایل عرب شیعه که عمدتاً هم شیعه امامیه بوند قاعدتاً می بایست تأثیراتی بر آنها و حتی بر روند گسترش این تفکر در داخل ایران گزارد داشته باشد لذا بخش قابل توجهی از تاریخ تشیع در ایران در طول قرن اول هجری در این شهر رقم خورده است و ضرورت دارد که مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

تحلیل های مفروضانه و اشتباه از گرایش ایرانیان به تشیع و حتی اصل تفکر شیعی در این پژوهش با نگاهی تحلیلی و با استناد به جامعه ی نمونه ایرانیان ساکن در کوفه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نتیجه ابعاد اساسی موضوع به روشنی تبیین خواهد گردید حال آنکه برخی از پژوهشگران غربی و به پیروی آنان تعدادی از نویسندگان غیر غربی نیز فرضیه ی دخالت فکر و روح ایرانی در ساختن تشیع و ایرانی کردن اسلام را از این طریق مطرح کرده اند.

مک دونالد در این ارتباط می گوید: « پیروزی عباسیان (بر امویان) در واقع پیروزی قوم مغلوب (یعنی ایرانیان) بر قوم غالب (یعنی عربها) بود. ناسیونالیسم ایرانی در اقتدار خاندانهای مستقل محلی ایرانی که اکثراً شیعه بودند تجلی یافت و تشیع عمدتاً تجلی قیام آریاییها در برابر توحید سامیها بود» (Macdonld, 1985, p51). گاه این موضوع با صراحت بیشتری و البته بدون

ارائه ی مستندات لازم بیان شده است از جمله چنین آمده است: «دینی که از فاتحین عرب به ایرانیان رسید در اینجا رنگ و بوی ایرانی گرفت، تشیع خوانده شد و از مذهب اهل سنت امتیاز یافت» (آربری، ۱۳۳۶: ص ۲۶۳).

متأسفانه این قبیل سخنان از زبان برخی نویسندگان مسلمان که تعصبات ضد ایرانی دارند نیز شنیده می شود از جمله نبیه حجاب می نویسد: «تقدیس حاکم در دوران ساسانی رواج داشته بدین مضمون که حاکم، ظل الله است به همین دلیل شیعیان برای حضرت علی حق الوهیت قائل شدند و بتدریج موالی ایرانی که در باطن بر آئین نیاکان خود پایدار باقی مانده بودند به تشیع گرویدند و تشیع لانه ی شعوبیه گشت» (نبیه حجاب، ۱۹۶۱: ۲۱۴).

طرح این گونه تحلیل ها و ارائه ی برخی نظریه پردازیها که بر این اساس و عمدتاً حول محور انتساب تشیع به ایرانیان قرار دارد اقتضاً می کند این موضوع از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. تمرکز فعالیت شیعیان از جمله ایرانیان شیعه در طول قرن اول هجری در کوفه نیازمند دقت بیشتر و بررسی کامل است لذا در این پژوهش با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی سعی می شود تا ابعادی از این موضوع تبیین گردد.

چگونگی تأسیس کوفه و مهاجرت ایرانیان به این شهر

پیروزی های متعدد اعراب مسلمان بر ارتش ساسانی در طول دهه ی دوم هجری و بخصوص تصرف شهر مدائن (تیسفون) پایتخت ساسانیان موجب شد تا سربازان مسلمان به منظور حفظ مناطق تصرف شده و احتمالاً ادامه ی تصرفات در فکر اقامت در همان مناطق باشند. عدم تمایل خلیفه ی دوم به اقامت این سربازان در شهرهای ایرانی و بیمار شدن برخی از آنان در مدائن موجب شد تا سعد بن ابی وقاص به دستور خلیفه برای یافتن منطقه ای مناسب با زندگی اعراب در همان حدود تلاش نماید. این مسئولیت در نهایت توسط سلمان فارسی و حدیفه بن یمان به انجام رسید. آن دو جایی را انتخاب کردند که سنگریزه ی بیابان و شن رودخانه در هم آمیخته بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۷۷) آنگاه هر دو فرود آمدند، نماز گزارند، از خدا خواستند که آنجا را منزل مسلمانان قرار دهد و سپس پیش سعد بازگشتند (ابن کثیر، ۱۳۵۱: ج ۷، ص ۷۵) گفته شده چون اعراب در کوفه استقرار یافتند حالشان نیکو شد و نیرو و سلامتشان بازگشت (ابن خلدون، ۱۳۹۱: ص ۵۳۵).

با استقرار سربازان عرب و خانواده های آنان در سال ۱۷ هجری در ناحیه ی کوفه، بزودی افراد و گروههای مختلفی از راههای دور و نزدیک به آنجا نقل مکان کردند. از جمله قبایل مختلف از اعراب قحطانی و عدنانی، اقوام سریانی زبان که در روستاهای اطراف حیره زندگی می کردند؛ (۱) تعدادی از نبطیان که در بیابانهای بین کوفه و بصره می زیستند نیز به کوفه آمدند. همچنین گروههایی از یهودیان از سال ۲۰ هـ در این شهر مقیم شدند. (۲) با توجه به اینکه پارسیان (ایرانیان) نیز به تدریج در این مکان اقامت گزیدند می توان به روشنی ترکیب جمعیتی ناهمگون کوفه را از ابعاد مختلف نژادی، مذهبی و فرهنگی به خوبی دریافت این امر در حوادث آینده این شهر و حتی جهان اسلام بی تأثیر نبود.

اولین جمعیت ایرانی که در کوفه اقامت گزید دسته ی چهار هزار نفری دیالمه بود که در جنگ قادسیه علیه مسلمانان حاضر به جنگ نشدند (بلاذری، ۱۳۵۰ ق: ۲۷۹). آنها پس از جنگ قادسیه به سپاهیان خلافت اسلامی پیوستند و همراه آنان در کوفه سکنی گزیدند. از این زمان به بعد اقشار مختلفی از پارسیان به این شهر هجرت نمودند که عمدتاً در گروههای ذیل قرار می-گیرند: ۱- ایرانیانی که در نبردهای قادسیه، جلولو و نهاوند به اسارت در آمدند. ۲- کسانی که با سقوط حکومت ساسانی معیشت خود را از دست داده بودند و در جستجوی مکان جدیدی برای ادامه ی زندگی بودند. ۳- گروههای وسیعی از پیشه وران و صنعتگران پارسی که در این شهر نو-بنیاد به آنها نیاز مبرمی وجود داشت. ۴- برخی از خاندانهای صاحب نام پارسی که خود قبلاً نجبای قومشان بودند. ۵- تعداد قابل توجهی از کشاورزان و روستائینی که با سقوط نظام طبقاتی وابسته ی به حاکمیت سابق امکان رشد و حضور در سایر طبقات اجتماعی را یافتند، از اینرو برای پیدا کردن مشاغل جدید راهی شهرهای مختلف شدند بدیهی است شهری همچون کوفه که مورد توجه بسیاری از مهاجرین بود و در مرکز بین النهرین قرار داشت مکان مناسبی برای وصول به این منظور بود.

وضعیت سیاسی اجتماعی ایرانیان در کوفه

الف) ایرانیان و اسلام

از آنجا که شکل گیری کوفه با تهاجمات سربازان خلافت اسلامی به مرزهای ایران و ورود اسلام به این سرزمین مصادف است به نظر می رسد که در این خصوص هر چند به اختصار باید اشاراتی ذکر شود. سابقه ی آشنایان ایرانیان با اسلام به زمان حیات پیامبر اعظم (ص) بر می گردد. سلمان یکی از برجسته ترین صحابه ی پیامبر(ص)، ایرانی بود. پارسیان یمن نیز خود با آغوش باز از اسلام استقبال نمودند، پس از رحلت پیامبر(ص) با اینکه بیشتر اعراب یمن مرتد شدند اما آنها بر اسلام خود ثبات ورزیدند. دیگر ایرانیانی که در زمان حیات آن حضرت به اسلام گرویدند اهالی بحرین بودند. حاکم ایرانی این سرزمین بنام سی بخت مالیات نقدی را به جای تیسفون به مدینه ارسال نمود(بلاذری ، ۱۳۵۰ ق: ص ۳۷۳).

در حقیقت توده ی وسیعی از مردمی که تحت سلطه ی ساسانیان می زیستند در زیر بارگران مالیاتهای سنگین و جنگ های متعدد به ستوه آمده بودند (۳) تلاشی فوق العاده برای حفظ این حاکمیت انجام ندادند. همین موضوع موجب شد تا حتی فداکاری برخی سرداران ساسانی از قبیل رستم فرخزاد، بهمن جادویه و هرمزان به نتیجه ای نرسد (دینوری، ۱۳۶۴: صص ۱۶۸-۱۴۴). البته با توجه به پذیرش حقوق اهل کتاب از جمله زردشتی ها و آزادی عمل آنان در حفظ عقاید خود ، گسترش کامل دین اسلام در ایران قرنها به طول انجامید اما از همان روزهای نخستین ورود مسلمانان شواهد متعددی در راستای همکاری و مساعدت ایرانیان با آنها حتی پذیرش اسلام توسط آنان وجود دارد.

ب) حق گرایان و حق خواهی

آنچه بعضاً در خصوص علل گرایش ایرانیان به تشیع ارائه شده است و پیشتر به چند مورد آن اشاره گردید بیانگر نوعی کم دقتی و ضعف استدلال است. اگر گرایش این مردم به تشیع بخاطر تقدسی است که از قدیم برای شاهان خود قائل بوده اند پس چرا تا قرنها پس از ورود اسلام به این سرزمین اکثریت مردم ایران اهل سنت بوده اند و چرا بعدها به امامیه تمایل یافتند؟ حال آنکه این گونه افکار به تفکر حاکمیت که تا قرنها توسط عباسیان تبلیغ می شد نزدیکتر بود ، لذا به نظر می رسد برای یافتن علل واقعی در گرایش ایرانیان از جمله جامعه ی مورد نظر یعنی ایرانیان کوفه بر اساس مستندات تاریخی و به دور از هر گونه پیشداوری اقدام نمائیم.

اسلام دینی است که خود را بر قوم و ملت خاصی محدود نکرد بلکه فطرت همه ی انسانها را مورد خطاب قرار داد. به همین دلیل خداوند می فرماید: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی دانند» (قرآن کریم، سوره ی ۳۰، آیه ی ۳۰). با وجود این که سنت نبوی و سیره ی اهل بیت (ع) بر این نکته تکیه می نمود بزودی خلفای اموی و عباسی راه دیگری در پیش گرفتند و اشرافیت جاهلی عربی و حکومت طاغوتی اشرافی بر ترجیح یک نژاد بر دیگران سخن گفتند. در حالی تحقیر غیر اعراب تعقیب گردید که آیات متعددی در قرآن به موضوع جایگاه انسان به عنوان خلیفه ی خداوند روی زمین و حتی دارای کرامت تأکید شده بود (قرآن کریم، سوره ی ۲، آیه ی ۲۹).

سرانجام اینکه آنچه اسلام مطرح نمود اقامه ی حق در جامعه ی انسانی بود زیرا حق وجود ذاتی دارد، بنابراین دارای دوام و بقاست ولی باطل وجود تبعی و غیر اصیل دارد هر چند در پوشش حق در آید. این اندیشه در تضاد با افکار جاهلی عرب و همچنین آئین تحریف شده ی زردشتی در آن زمان بود. به گفته ی جان ناس اعتقاد به مبدأ شر و عامل تبهکاری و خطا در طول زمان تحولی حاصل کرده و رفته رفته دین زردشت را به صورت یک آیین دوگانه پرستی (دو آلیم) اخلاقی درآورد. (ناس، ۱۳۷۰: ۳۱۵). بر این اساس محوریت توحید و اطاعت از خداوند جای خود را به فرمانبرداری کامل از حاکمان داد، از اینرو در آموزه های دینی از رعابای متدین این را می خواستند که «کهتران هر چه بیشتر فرمانبردار مهتران باشند تا پندار و گفتار و کردار نیک هر چه بیشتر گردد و دروغ ناپود شود» (مزداپور، ۱۳۶۹: ص ۱۸۱).

ایرانیان کوفه و مقوله ی عدالت اسلامی

یکی از سنت های تاریخی که در قرآن مطرح شده است سنت رویارویی حق با باطل است. همواره در طول تاریخ این دو در مقابل هم قرار داشته اند و در مقابل منادیان حق و دعوت کنندگان به صراط مستقیم، عده ای بوده اند که به مخالفت برخاسته به مقابله و جدل روی آورده- اند و در برابر آیات الهی عناد ورزیده، به تکذیب انبیا خود بر میخاسته اند (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۸۷). این سنت برخاسته ی از سنت هدایت و ضلالت است. هدایت به معنای نشان دادن راه و ارشاد به مطلوب یکی از سنت های الهی است (مرادخانی، ۱۳۸۶: ص ۱۷۷). سنت ضلالت در

مقابل سنت هدایت قرار دارد و به معنای انحراف و عدول از راه مستقیم است و هر گونه انحراف از حق، چه کم و زیاد، عمدی و سهوی را شامل می شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۶۳۷). هیچ گونه مدرک و شاهد تاریخی در مورد مخالفت ایرانیان کوفه با اسلام وجود ندارد بالعکس عموم آنان از این دین استقبال نمودند و انتظار داشتند عدالت اسلامی در مورد همگان از جمله خودشان اجرا گردد. مراجعه به متون تاریخی گویای این واقعیت تلخ است که تا قبل از خلافت امام علی (ع)، ایرانیان کوفه که به آنها موالی (۴) اطلاق می شد هرگز از حقوقی برابر با اعراب مسلمانان برخوردار نبودند. این نوع برخورد تبعیض آلود نسبت به سایر ایرانیان نیز اعمال می شد چنانکه به دستور خلیفه ی دوم از ورود عجم ها به مدینه ممانعت می شد تا این شهر آلوده نشود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۱۹).

ذکر چند مورد از این تبعیض ها، موضوع را بهتر تبیین می کند: اعراب کوفه هیچگاه موالی را با کنیه که نشانه احترام است صدا نمی زدند. به آنها اجازه خواندن نماز به مردگان را نمی دادند و در هنگام حضور در مهمانی، آنها را در کناری قرار می دادند تا موالی بودنشان مشخص باشد. در جنگ ها نیز علاوه بر آن که مناسب فرماندهی را در اختیارشان نمی گذاشتند به آنان اجازه سوار شدن بر اسب را نمی دادند. (زبیدی، ۱۹۷۰م: ص ۷۷).

خلافت علی (ع) و تعمیق ارادت ایرانیان کوفه به اهل بیت (ع)

حضور برخی از صحابه و یا تابعین در شهر کوفه که علاقه ی بسیاری به خاندان پیامبر (ص) و علی (ع) داشتند موجب شده بود تا تعدادی از موالی (ایرانیان) کوفه که با طوایف آنها هم پیمان بودند با این خاندان تا حدودی آشنائی یابند. با این وجود بدون تردید ورود امیرالمومنین علی (ع) به کوفه و مشاهده ی بدون واسطه ی انسانیت، عدالت و دیگر خصوصیات ایشان توسط ایرانیان سبب شد تا علاقه ی بیشتری به وی و افکارش یابند.

ایرانیان کوفه برای نخستین بار توانستند آزادانه و بدون هیچگونه واهمه ای به حضور خلیفه-ی اسلام رسیده، مشکلات و تبعیضات ناروا در حق خود را مطرح نمایند. تا آن زمان نه تنها اقدامی در جهت رفع این بی عدالتی ها به عمل نیامده بود بلکه آنان فریادرسی نیز برای خود نمی دیدند. امام با سعه ی صدر به سخنان موالی گوش فرا داد و علاوه بر اجرای عدالت تلاش نمود تا افراد متعصب بویژه اشراف کوفه روش خود را تغییر دهند.

تلاش امام برای تغییر رویه ی این افراد با مقاومت آنان روبرو شد لذا در حالی که غضبناک بود نزد موالی برگشت و به آنها فرمود: « ای گروه موالی این عرب ها، شما را به منزله ی یهود و نصارا قرار داده اند از شما زن می گیرند اما به شما زن نمی دهند و شما را در گرفتن عطا از بیت المال مساوی قرار نمی دهند پس شما تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد زیرا از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود روزی ده جزء است که نه جزء آن در تجارت و یک جزء آن در کارهای دیگر است (حرعاملی، ۱۴۰۱ ق:ج:۱۴، ص:۴۶).

با وجود اینکه حقوقی که از بیت المال به موالی داده می شد تا آن زمان تنها نیمی از حقوق یک عرب بود امام پس از ورود به کوفه مردم را از این نظر برابر قرار داد. این کار ایشان با مخالفت تعدادی از افراد متعصب مواجه شد و با استناد به روش خلفای قبلی به وی اعتراض نمودند. امام در پاسخ چوبی را از زمین برداشت و آن را میان دو انگشت خود نهاد و گفت تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل - که مادرش عرب بود، بر فرزندان اسحاق به اندازه ی این چوب برتری نیافتم (یعقوبی، ۱۴۱۴ ق: ج: ۲، ص ۸۲).

رفتار عادلانه ی امام با همه ی اقوام بخصوص با موالی در نهایت موجب شد تا این متعصبان برآشوبند حتی ایشان را علناً تهدید کرده، گفتند اگر به موالی (ایرانیان) بیش از این روی نمایی و آنان را برکشی به نزد معاویه خواهیم رفت (تقفی کوفی، ۱۳۵۵، ج: ۱، ص: ۳۰۷).

شیعیان ایرانی کوفه از خلافت معاویه تا قیام مختار

شیعه در لغت به معنای همراهان و پیروان است و فقها و متکلمان اصطلاحاً یاران و پیروان علی (ع) و فرزندان او را شیعه می گویند (ابن خلدون، ص ۱۹۶). البته صاحب نظران تعاریف دیگری نیز از شیعه ارائه داده اند که معمولاً در راستای تعریف مذکور است. به گفته ی شهرستانی، شیعه آنانی هستند که پیروی مرتضی علی (ع) کردند و به امامت و خلافت وی قائل شدند که به نص روشن یا به وصیت ثابت است (شهرستانی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۹۱).

متفکران شیعه در اثبات حقانیت پیروان اهل بیت (ع) دلایل مختلفی را ارائه کرده اند که در منابع مربوطه به تفصیل آمده است. با این حال تردیدی وجود ندارد که این واژه نخستین بار توسط پیامبر اعظم (ص) استعمال گردید. ایشان فرمودند: «یا علی، شیعیان (پیروان) تو حزب الله هستند و تو و یارانت دادگستر و دادگر هستی (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص: ۱۵).

در شهر کوفه گروه‌های مختلفی وجود داشتند که بیشتر از اعراب جنوبی بودند و برخی از آنان آشکارا به علی (ع) گرایش داشتند. در میان انقلابیونی که در مدینه بر خلافت علی (ع) اصرار ورزیدند تعداد قابل توجهی از آنان اهالی کوفه بودند و در رأس آنان مالک اشتر قرار داشت. وی در آغاز خلافت امام در مدینه از جانب مردم کوفه به پا خاست و گفت: «ای امیر مؤمنان با تو بیعت می‌کنم که بیعت مردم کوفه بر عهده ی من باشد. (یعقوبی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۵۴).

همان گونه که بیان گردید حضور امیرالمومنین علی (ع) در کوفه و تجربه ی ارزشمند عدالت اسلامی در این مدت موجب گردید تا ارادات و علاقه ی برخی از ایرانیان کوفه به پیروی از اهل بیت (ع) تعمیق یابد. با شهادت امام در رمضان سال ۴۰ هجری و خیانت مردم عراق نسبت به امام حسن (ع)، بنی امیه توسط معاویه به خلافت دست یافتند. (۵) این شخص که علیه خلیفه ی اسلام علی (ع) خروج کرده بود در واقع نماینده اشرافیت جاهلی قبل از اسلام بود. زیر پا گذاشتن صلح با امام حسن (ع)، برادر خواندگی با زیاد، شهید کردن حجرین عدی و تعدادی دیگر از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) و ولایتعهدی یزید برخی از اقدامات او می باشد.

در این مدت به موازات توسعه ی کوفه، تعداد ایرانیان در این شهر افزایش چشمگیری یافت و جمعیت آنها به بیش از بیست هزار نفر رسید. معاویه پس از آگاهی یافتن از این تعداد وحشت زده شد و قصد داشت آنان را قتل عام نماید اما با مشورت احنف بن قیس از این تصمیم خطرناک منصرف گردید (ابن عبدربه، ۱۹۵۲: ج ۳، ص ۳۶۱).

افزایش سخت گیری و تحقیر موالی و همزمان سرکوب شیعیان بویژه در شهر کوفه موجب شد تا ایرانیان شیعه فرصت مناسبی برای ابراز اعتقادات خود نیابند. سخت گیری مأموران اموی بر شیعیان کوفه موجب گردید تا گروهی از آنان از قبیله ی اشعری در سال ۸۳ به شهر قم مهاجرت نموده، تشیع را در آنجا رواج دادند (یاقوت حموی، ۱۳۷۵: ق: ج ۷، ص ۱۵۹).

در واقع ایرانیان از طریق اعراب شیعه ی مستقر در مناطق عرب نشین و یا در داخل ایران با تشیع آشنایی یافتند و با توجه به مخالفت و سخت گیری خلفای اموی و سپس عباسی و همچنین حکام متعصب غیر شیعه ی ایرانی معمولاً تحت تعقیب و اذیت و آزار بودند. از اینرو تشیع از قرآن و سنت ریشه گرفت نه از ذهنیت ایرانیان و بجز سلمان فارسی که خود از اصحاب پیامبر (ص) و علاقمندان به علی (ع) بود سایر ایرانیان هیچ نقشی در وقایع پس از رحلت رسول خدا (ص) نداشتند در واقع آنها پس از دهها سال از این حوادث اطلاع یافتند.

نقش مؤثر ایرانیان کوفه در قیام خونخواهان امام حسین (ع)

مهم ترین عرصه ی حضور ایرانیان در یک نهضت ضد اموی ، فعالیت چشمگیر شیعیان ایرانی کوفه در قیام مختار بود که به منظور خوانخواهی امام حسین (ع) در سال ۶۶ هـ آغاز گردید. مختار پس از سلطه بر کوفه استاندارانی را بر شمال عراق و آذربایجان گمارد (طبری ، ۱۴۰۸ : ج ۴، ص ۵۰۸). او پس از تحکیم موقعیت خود و به دست آوردن فرصت مناسب به خونخواهی خاندان رسول خدا (ص) پرداخت و به یارانش دستور داد کسانی را که در کشتار روز عاشورا دست داشتند دستگیر نموده، به قتل رسانند. وی اموال و مستمری آنها را به محرومان و ایرانیانی که در خدمتش بودند ، بخشید(دینوری ، ۱۳۶۴: ص ۳۳۷).

الف) عشق راستین

حضور پر شور ایرانیان در قیام مختار برای خونخواهی امام حسین (ع) پس از دهها سال سکوت آنان و عدم مشارکت در نهضت کربلا و قیام توابین می تواند از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. بی تردید شواهد و قرائن مختلفی - که به برخی از آنها قبلاً اشاره گردید - گویای نفوذ محبت اهل بیت در اعماق وجود تعدادی از موالی کوفه می باشد. این واقعیت از نگاه خلافت اموی و عوامل آنان مخفی نبوده است. چنانکه سالها قبل از این نهضت، روزی مختار با مغیره بن شعبه - که مدتها در زمان معاویه استاندار کوفه بود- از بازار کوفه می گذشتند. مغیره که با دقت همه ی اتفاقات را تعقیب می کرد خطاب به مختار چنین گفت: « به خدا سوگند، مطلبی را می دانم که اگر آدم با تدبیری به آن متمسک شود مردم هوادار او شوند و تا سر حد جان از او پیروی نمایند مخصوصاً ایرانیان که زود در این زمینه تحت تأثیر قرار می گیرند. « مختار از مغیره پرسید عموجان این مطلب چیست؟ کدامست؟ مغیره گفت: « دعوت آنان به یاری آل محمد و خونخواهی آنان است»(بلاذری ، ج ۶، ص ۳۸۷).

ب) امکان حضور فعال در عرصه ی سیاسی و نظامی

ایرانیان کوفه فرصت حضور در کربلا را نیافتند همانگونه که بسیاری از شیعیان عرب کوفه به این وضعیت دچار شدند در قیام توابین هم، به آنها هیچ توجهی نشد. مختار با آگاهی کامل از

واقعیت های عینی موجود در جامعه ی موالی و اندیشه های ایده آل آنان برای جذب این نیروی بالقوه برنامه ریزی نمود. حکومت کوفه نیز متقابلاً با اطلاع از این وضعیت نوعی حکومت نظامی و پلیسی در مناطق ایرانی نشین ایجاد کرده بود به گونه ای که آنها در خانه های خود محبوس بودند. ابوعثمان نهدی که از طرف مختار برای آگاه کردن ایرانیان کوفه از شروع نهضت مأموریت یافته بود این وظیفه را به خوبی انجام داد و در این هنگام ایرانیان از خانه های خود بیرون آمدند و فریاد زدند انتقام خون حسین (ابن اثیر ، ۱۳۸۵ ق : ج ۶ ، ص ۷۶). بدینسان پارسیان کوفه به یکی از اصلی ترین عناصر فعال در عرصه ی سیاسی و نظامی جهان اسلام در آن ایام تبدیل شدند.

فداکاری ایرانیان کوفه در مبارزه علیه جنایتکاران کربلا

مهمترین واقعه در طول حیات ایرانیان شیعه در کوفه نقش بسیار فعال آنان در قیام مختار است لذا در این پژوهش باید به این قیام توجه بیشتری مبذول گردد. پارسیان کوفه از این پس از حالت انفعالی خارج شدند و با پذیرش مسئولیت های مهم در این شرایط دشوار برای تحقق علائق راستین خود به اهل بیت (ع) کوششی در خور توجه نمودند. تعداد ایرانیان در سپاه مختار به گونه ای بود که دو نفر از فرماندهان سپاه شام پس از پناهنده شدن به ابراهیم بن مالک اشتر فرمانده سپاه مختار به وی گفتند: « از هنگام ورود به اردوگاه تا رسیدن به تو هیچ سخن عربی نشنیدیم و همراهان تو، تنها ایرانیان هستند» (دینوری ، ۱۳۶۴ : ص ۳۳۹).

موالی کوفه که تا این زمان هیچ فرصتی برای ابراز عقاید خود نیافته، در فضای پیچیده ی حاکم بر این شهر سکوت همراه با انتظار را در پیش گرفته بودند با تمام وجود در تعقیب و مجازات عاملان کشتار خاندان رسول الله (ص) اقدام نمودند. از طرف مقابل، مختار بر خلاف حکام گذشته ایرانیان را به خود نزدیک نمود، برای ایشان و فرزندانشان مستمری تعیین کرد و آنان را در مجالس خود جای داد. وی حتی پاسداران ویژه ی خود را از موالی انتخاب نمود و فرماندهی آنان را بر عهده ی ابو عمره که خود یکی از آنها بود واگذار نمود. در چند مورد که اشراف کوفه به مختار نزدیک شدند وی با آگاهی یافتن از رنجش ایرانیان به آنها گفت: « خودتان را ناراحت نکنید که شما از من هستید و من از شما هستم» (ابن کثیر ، ۱۳۵۱ ق: ج ۴، ص ۲۶۸).

متقابلاً اشراف کوفه بیشترین تنفر را نسبت به موالی داشتند از اینرو در نبرد با نیروهای مختار گاهی اسرای عرب را آزاد می کردند اما همواره موالی را به قتل می رساندند. در نهایت پس

از شکست سپاه مختار و ورود ارتش مصعب بن زبیر به کوفه بسیاری از اعراب و بزرگانی که با مختار بودند در خانه های خود پنهان شدند و از هفت هزار نفر نیروی باقیمانده که به همراه مختار در دارالاماره محصور شدند، بجز حدود هفتصد نفر بقیه ایرانی بودند. پس از کشته شدن مختار، این افراد با امان نامه ای که از جانب مصعب به آنها داده شده بود تسلیم شدند. وی در نهایت بر این تصمیم خود پا بر جا نماند و دستور داد سر همه ی آنها را قطع نمایند (طبری، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ص ۵۷۷).

شیعیان ایرانی کوفه از حکومت مصعب تا پایان قرن اول

مصعب بن زبیر پس از ورود به کوفه در سال ۶۷ هـ به مدت ۸ سال امارات عراق را از جانب برادرش عهده دار گردید. وی که در ابتدای ورود به کوفه بیرحمانه دستور قتل هزاران نفر شیعه ی ایرانی را صادر نمود همین روش را بعدها نیز ادامه داد. در این مدت بنی امیه که تا مدتی درگیر رقابت های داخلی بودند توسط عبدالملک بن مروان عراق را فتح نمودند از این پس نام حجاج بن یوسف ثقفی در کوفه همراه با اختناق و سرکوب شیعه و ایرانیان بود. این شخصی که قبلاً خدمات زیادی برای خاندان اموی انجام داده بود در سال ۷۵ هـ به امارت کوفه منصوب گردید (ابن خلکان، ۱۹۴۸ م: ج ۲، ص ۴۲۵).

الف) سرکوب و خشونت

حجاج در طول ۲۰ سال امارتش بر کوفه (بین سالهای ۷۵ تا ۹۵ هجری) با بی رحمی و خشونت با مخالفین بویژه شیعیان رفتار نمود. به گفته ی یاقوت نتیجه ی اقدامات این فرد در عراق بیش از ۱۲۰ هزار نفر کشته بود (یاقوت حموی، ۱۳۷۶ ق: ج ۵، ص ۳۴۹). امام محمد باقر (ع) در مورد چگونگی رفتار حجاج با شیعیان چنین می فرماید: «آن گاه که نوبت به حجاج رسید با بدترین وضع شیعیان ما را می کشت، با کوچکترین گمان و اتهامی آنها را دستگیر می کرد تا جایی که مردم ترجیح می دادند به آنها زندیق یا کافر بگویند ولی شیعه ی علی نگویند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۱: ص ۴۳).

ایرانیان کوفه در این مدت زیر ظلم و تبعیض قرار داشتند بدیهی بود در این شرایط وضعیت ایرانیانی که شیعه بودند بسیار دشوارتر بود زیرا در این مدت عملاً حمایت قبایل عربی از آنان

انجام نمی گرفت. قابل ذکر است که بسیاری از آنها به پیروی از امام سجاد (ع) در عملیات نظامی شرکت نکرده، به فعالیت های علمی و فرهنگی پرداختند.

(ب) قیام دیر جماجم

در سال ۸۳ هـ واقعه ای موجب گردید تا بسیاری از ایرانیان کوفه از جمله شیعیان در یک شورش عمومی علیه بنی امیه و عامل آنان در عراق یعنی حجاج مشارکت نمایند. عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که فرماندهی سپاه عراق را در سیستان عهده دار بود پس از اختلاف نظر با حجاج از جانب وی خلع شد. عبدالرحمان با سرپیچی از دستور حجاج به کمک سران سپاه علیه امویان شورش نمود بسیاری از مردم بویژه شیعیان و موالی عراق به او پیوستند. (۶) سپاهیان ابن اشعث را تا دویست هزار نفر نقل کرده اند که نیمی از آنها عرب و نیمی دیگر از موالی بودند (طبری، ۱۴۰۸ ق: ج ۳، ص ۶۲۱). این سپاه با اینکه در ابتدا به پیروزیهای مهمی است یافت ولی در نهایت با رسیدن قوای تازه نفس از شام و خیانت برخی از سران سپاه متحمل شکست گردید. در نتیجه بسیاری از شیعیان و موالی بار دیگر قتل عام شدند از جمله کمیل بن زیاد، قنبر و سعید بن جبیر.

حضور علمای موالی شیعه در کوفه

در مدخل بحث در مورد علمای موالی شیعه لازم است اشاره ی به سعید بن جبیر بنمائیم. وی از جمله ی موالی شیعه بود که از اصحاب خاص امام سجاد (ع) به شمار آمده و مورد تمجید ایشان قرار داشت و به همین دلیل حجاج او را دستگیر کرد (خویی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ص ۸۶). سعید که از مشاهیر علمای شیعه ی کوفه بود توانست افکار شیعه را بخوبی تبیین نماید و افراد بسیاری را به طرف خاندان اهل بیت (ع) و امام سجاد (ع) جذب نماید. او پس از اینکه توسط حجاج احضار شد بدون هیچ واژه ای پاسخ او را داد و پس از اینکه توسط این حاکم دستور قتلش صادر شد، خندید و تنها درخواست وی اقامه نماز بود. سرانجام به دستور حجاج سر سعید قطع گردید. (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۰).

البته چهره های متعددی از موالی شیعه ی کوفه بتدریج در این شهر مطرح گردیدند اما برخی از آنها در حوزه های علم و دانش بخصوص در علوم اسلامی گوی سبقت را از دیگران ربودند. این اشخاص از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری نقش بسیار مهمی در کسب فیض از اهل بیت پیامبر (ص) داشته، از نزدیکترین یاران و بهترین شاگردان مکتب امامان بودند سعید بن جبیر از

اصحاب امام سجاد (ع)، محمد بن مسلم بن ریحاح مولای کوفه از ثقیف (۷) همچنین ابوبصیر لیث البختری المرادی که مولایی از بنی اسد بود و صحابی محبوب امام باقر (ع) به شمار می رفت. از مشاهیر آنان محسوب می گردند.

نتیجه

از آغاز تأسیس کوفه تعداد قابل توجهی از ایرانیان در این شهر سکونت گزیدند. بسیاری از آنان هم پیمان قبایل عرب شدند. با توجه به استقرار بسیاری از قبایل عرب جنوبی در کوفه که از خاندان اهل بیت (ع) و امام علی (ع) جانبداری می کردند بتدریج ایرانیان ساکن کوفه نیز با این خاندان آشنایی یافتند. با این وجود مهم ترین علل گرایش ایرانیان کوفه به تشیع و پایداری ورزیدن بر آن، درک حقانیت اهل بیت (ع) و مشاهده ی راه و روش عاد لانه و تقوای الهی آنان بود. به کلام دیگر آنان منتها آرزوی خود را برای نجات از ظلم، بی عدالتی و تحقیری که از جانب برخی متعصبان بر آنها اعمال می شد در تحقق اسلام محمدی (ص) دیدند. از آنجا که خلفای پس از پیامبر (ص) و بویژه خلفای بنی امیه راه عدالت را در پیش نگرفتند ارادت ایرانیان به امیرالمومنین علی (ع) و خاندان اهل بیت (ع) استحکام بیشتری یافت.

پی نوشتها

۱- تا پیش از سقوط ساسانیان، حیره مهم ترین شهر عرب نشین در مرز غربی ایران بود. در اواخر قرن ششم میلادی، نعمان پادشاه حیره به دین مسیح درآمد و در پی او بسیاری از اعراب مسیحی شدند (اولیری، ۱۳۴۲: ص ۱۰۶).

۲- یهودیان کوفه در بانقیا در اطراف کوفه و به نزدیکی حیره، گورستان مشهوری داشتند که مردگان خود را در آنجا به خاک می سپردند و مدارس مشهوری در سورا و نهر دعه و بمبادیته و فم البداء داشتند و باده می فروختند (طبری، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۴۷۷).

۳- علاوه بر این بناها، کارگران، حمامی‌ها، آهنگران، حجامت‌کاران و دیگر کسانی که با حرفه‌ی خود موجب آلودگی آب، خاک و آتش می‌شدند، مطرود و نجس تلفی شده، حق ورود به شهر و معاشرت با افراد را نداشتند. این طبقات پست جامعه در بیرون شهر جای خاصی داشتند و در شرایط بسیار بدی می‌زیستند. نگاه کنید به (وندیداد، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۱۰۳۹).

۴- موالی جمع مولی است این واژه در لغت به معنی مالک، سرور، مهمتر، دوست، دوستدار، بنده و بنده آزاد شده است (عمید، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۷). از نظر اصطلاح تاریخی این کلمه به عجم‌ها یا غیر عرب‌هایی گفته می‌شد که با ورود به حوزه‌ی اسلامی و پیمان بستن با قبایل عرب در شمار قبیله‌ی آنها در می‌آمدند (زبیدی، ۱۹۷۰: ص ۷۴).

۵- معاویه فرزند ابوسفیان است که در مدت رسالت پیامبر (ص) از سردمداران مخالفت با اسلام بود. دشمنی این خانواده با اسلام در نبرد احد به اوج خود رسید. هند، ما در معاویه جنازه‌ی حمزه عمومی پیامبر را مثله نمود. دشمنی ابوسفیان و خانواده اش با اسلام تا فتح مکه در سال ۸ هجری ادامه یافت. پس از آن وی ناگزیر تظاهر به اسلام نمود ولی چندی بود در جریان جنگ حنین نفاق خود را اظهار نمود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۱۰).

۶- بسیاری از موالی در عراق و اطراف آن که مسلمان شده بودند به منظور رهایی از خراج و دست‌یابی به زندگی مناسب‌تر به شهرها مهاجرت نمودند اما به دستور حجاج آنها را به زور به مناطق اولیه بازگرداندند این اشخاص که به شدت تحت ظلم قرار داشتند از این بی‌عدالتی فریاد یا محمد سر می‌دادند. (طبری، ۱۴۰۸ ق: ج ۳، ص ۶۲۷).

۷- وی به صورت معتمدترین و موثق‌ترین مردم توصیف می‌شود. امام صادق (ع) وی را از میخ-های خیمه‌ی عالم ذکر می‌کند (کشی، بی تا: ص ۱۷۰).

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آریزی؛ ا. ج (گردآورنده). (۱۳۳۶). میراث ایران؛ تألیف سیزده تن از خاور شناسان؛ ترجمه احمد بیرشک؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه؛ تحقیق ابوالفضل ابراهیم؛ قم: منشورات مکتبه آیه الله النجفی.
- ۴- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن. (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ؛ بیروت: دارصار.

- ۵- ابن بایویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ صفات الشیعه و فضائل الشیعه؛ بی جا، بی نا.
- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمت بن محمد. (۱۳۹۱ق). العبر؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۷- ابن خلکان، ابی العباس شمس الدین احمد. (۱۹۴۸م). وفيات الاعیان و ابناء الزمان؛ قاهره.
- ۸- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمود؛ العقد الفرید. (۱۹۵۲م). به تصحیح احمد امین، قاهره.
- ۹- ابن قتیبه دینوری. (۱۳۸۷). الامامه و السیاسه؛ قم: منشورات الرضی.
- ۱۰- ابن کثیر، عماد الدین ابن الفداء اسماعیل. (۱۳۵۱ق). البدايه و النهايه؛ قاهره: مطبعه اسلعهاده.
- ۱۱- اولیری، دیلسی؛ انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی. (۱۳۴۲). ترجم احمد آرام. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی. (بی تا). انساب الاشراف؛ بیروت: دارالفکر.
- ۱۳- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی. (۱۳۵۰ق). فتوح البلدان؛ مصر: مکتبه التجاریه الکبری.
- ۱۴- ثقفی کوفی، ابوالسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۳۵۵). الفارات؛ تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۵- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق). وسایل الشیعه؛ تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی؛ تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ۱۶- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۳ق). معجم رجال الحدیث؛ بی جا، مدینه العلم.
- ۱۷- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۶۴). الاخبار الطوال؛ ترجمه احمد مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- ۱۸- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد. (۱۳۷۶). مفردات الفاظ قرآن؛ تهران: مرتضوی.
- ۱۹- رضی، هاشم. (۱۳۷۶). ترجمه و نندیداد؛ تهران؛ فکر روز.
- ۲۰- زبیدی، محمد حسین. (۱۹۷۰م). الحیاه الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه؛ قاهره.
- ۲۱- شهرستانی، ابوالفتح محمد. (۱۳۶۲). الملل و النحل، تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی؛ تهران: چاپ افست.
- ۲۲- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۰۸ق). تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۲۳- عمید، حسن. (۱۳۷۷). فرهنگ عمید؛ تهران: امیر کبیر.
- ۲۴- کشی، عمر بن محمد. (بی تا). معرفت اخبار الرجال؛ مشهد: بینا.
- ۲۵- مرادخانن تهرانی، احمد. (۱۳۸۶). سنت های اجتماعی الهی در قرآن؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

- ۲۶- مسعودی ، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر ؛ قم: دارالهجره .
- ۲۸- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ؛ تهران: صدرا.
- ۲۹- ناس، جان. (۱۳۷۰). تاریخ جامع ادیان ؛ ترجمه علی اصغر حکمت؛ تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی .
- ۳۰- نبیه حجاب ، محمد. (۱۹۶۱). مظاهر الشعبیه فی الادب العربی ؛ قاهره : مکتبه نهضه مصر .
- ۳۱- یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله. (۱۳۷۶ق). معجم البلدان ؛ بیروت، بی جا.
- ۳۲- یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب. (۱۴۱۴ق). تاریخ یعقوبی ؛ قم: منشورات الشریف الرضی .

33- Muslim of.....DevelopmentBlack;The33-Macdonld,Duncan.

Theology,jurisprudence.and...constitutional...Theory;London:Draf
publishers ltd,1985.